

دوتا ۱۴۴	عهد عتیق ۳ .
	پیدایش - قسمت اول
S = معلم ۲ (تعلیم توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه آموزشی ، فرصت خواهید داشت تا کتاب مقدس را بشناسید . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در یک دفترچه ، یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . امروز در مورد نحوه بوجود آمدن کتاب پیدایش ، ویژگی تاریخی بودن آن ، تقسیم بندی آن به دو بخش اصلی و محتویات مهم آن یاد خواهیم گرفت .

نکته ۱ . منشاء کتاب پیدایش .

اول . نام کتاب .

عهد عتیق در ابتدا به زبان عبرانی نوشته شده است . در کتاب مقدس عبری ، پنج کتاب اول عهد عتیق ، نامشان را از اولین کلمه کتاب گرفته اند . پس در عبری این کتاب را " در ابتدا " می نامند . در قدیمی ترین ترجمه های کتاب مقدس عبری به زبان یونانی نیز " منشاء " یا پیدایش نامیده شده است . این کتاب ، منشاء یا آغاز جهان و بخصوص زمین را شرح می دهد . شرح منشاء و یا آغاز تمام مخلوقات زمین بخصوص انسان است . شرح ابتدایی ترین تاریخ بشر بر روی زمین بخصوص نژاد یهود است که از طریق آن خدا نجات دهنده را به جهان خواهد آورد .

دوم . نویسنده ، تاریخ و مکان نگارش .

در کتاب پیدایش در مورد وجود چند سند کوچکتر مکتوب میخوانیم : " پیدایش آسمانها و زمین در حین آفرینش " (۲ : ۴) و شرح پیدایش آدم و نسل او (۱ : ۵) ، نوح (۶ : ۹) ، پسران نوح (۱۰ : ۱) ، تارح و ابراهیم (۱۱ : ۲۷) ، اسماعیل و اسحق (۲۵ : ۱۲ ، ۱۹) و عیسی و یعقوب (۳۶ : ۱ و ۳۷ : ۲) این اسناد بین پیش از ۲۱۰۰ قبل از میلاد یعنی زمان ابراهیم تا حدود ۱۸۰۰ قبل از میلاد ، یعنی زمان یوسف نوشته شده اند . بعدها موسی تحت هدایت روح القدس از این کتابها برای نوشتن پیدایش استفاده کرد . این کتاب یقیناً قبل از ۱۴۰۵ قبل از میلاد نوشته شده یعنی در زمانی که موسی در مصر و یا در بیابان سینا بود .

سوم . ویژگی کتاب .

خود کتاب بوضوح نشان می دهد که هدفش شرح تاریخ است . کتاب پیدایش یک سنت بشری نیست که در مورد منشاء زمین و همراه با داستانهای اسطوره ای نوشته شده باشد . شرح سمبولیک و یا شعری افکار بشر در مورد منشاء هستی نیز نمی باشد . خود کتاب بوضوح می گوید که تاریخ را شرح میدهد . در پیدایش ۲ : ۴ می خوانیم ، " به این ترتیب یا شرح ، آسمانها و زمین آفریده شدند . " کلمه شرح یا به این ترتیب به معنی تاریخ گذشته یا تاریخ منشاء آن است . در پیدایش ۵ : ۱ ، ۶ : ۹ و غیره کلمه مشابه آن به صورت " این است شرح یا سرگذشت دورانهای قبل تاریخ و یا شرح و سرگذشت نسل آدم ، نوح و غیره .

کتاب پیدایش یک کتاب تاریخی است اما فقط ثبت تاریخ قدیم بشر نیست که خدا از آن محافظت کرده باشد . تاریخ پیدایش چیزی نیست به جز مکاشفه الهی . هیچ انسانی در مورد تاریخ آغاز جهان ننوشته است چون خود انسان هم در پایان آفرینش خلقت خلق شد . اما خدا که همه چیز را خلق کرده بر انسان آشکار ساخت که چطور و چرا همه چیز را خلق کرد . این خداست که به انسان ، تاریخ آغاز زمین و تاریخ آغاز بشریت را می دهد . همچنین خداست که به این نویسندگان قدیمی دستور می دهد ، الهام و هدایت می کند تا آنچه او بر آنها آشکار کرده است بنویسند . تاریخچه های قدیمی آدم و سقوط در گناه ، نوح و طوفان ، ابراهیم ، اسحق و یعقوب فقط در طی نسل ها از دهان پدران به پسران منتقل نشده است بلکه توسط خدا بر نویسندگان آنها آشکار شد تا آنها را بنویسند .

خود خداست که تعیین می کند در کتاب چه چیزهایی باشد و چه چیزهایی حذف شود . هدف خدا ارضاء تشنگی انسان به علم و یا حتی کنجکاوی او نبود . هدف خدا این بود که به انسان سقوط کرده نقشه نجات را آشکار کند . چیزهای مشخصی هست که خدا برای انسان آشکار نخواهد کرد و در نتیجه همیشه سئوالاتی خواهد بود که انسان ، پاسخ آنها را پیدا نخواهد کرد . پس کتاب پیدایش ، مکاشفه تاریخ نجات توسط خدا است . هر آنچه در این کتاب شرح داده می شود در خدمت نجات انسانی است که در گناه سقوط کرده است . نه فقط در پیدایش بلکه در کل کتاب مقدس ، مکاشفه خدا در تاریخ بشر به صورت عملی و نوشتاری در آمده است . کتاب مقدس فقط ثبت عقاید فلسفه ای و محض مذهبی نیست ، همانند سایر تلاشهای انسانی برای درک خدا . کتاب مقدس ثبت تاریخی سخنان و اعمال خدا در تاریخ بشر است . کتاب مقدس ثبت مکاشفه تاریخ نجات توسط خدا است .

نکته ۲ . تقسیم بندی پیدایش . کتاب مقدس دارای دو بخش اصلی است .

اول . اولین بخش پیدایش شامل پیدایش ۱ : ۱ تا ۱۱ : ۲۶ است .

این بخش منشاء و آغاز مهمترین جنبه های زندگی انسان را شرح می دهد . و به این سئوالات پاسخ می دهد ، " جهان هستی از کجا منشاء گرفت ؟ انسان از کجا آمده است ؟ انسان چرا زندگی میکند ؟ چرا این همه ملتها و زبانهای متفاوت وجود دارند ؟ چرا شریر در این جهان وجود دارد ؟ چرا مصیبتهایی مانند طوفان ، خشکسالی و مرگ در این دنیا وجود دارد ؟ اولین بخش پیدایش را می شود به دو قسمت کوچکتر تقسیم کرد یعنی : پیدایش ۱ : ۱ تا ۲ : ۳ که شرح تاریخ خلقت جهان و بخصوص زمین است . پیدایش ۲ : ۴ تا ۳ : ۲۴ بهشت و سقوط انسان به گناه را توضیح می دهد . پیدایش ۴ : ۱ - ۱۵ نشان می دهد که چطور گناه

رابطه بین مردم را خراب کرد . پیدایش ۴ : ۱۶ تا ۹ : ۲۹ شرح آغاز تمدن بشر است . و پیدایش فصلهای ۱۰ و ۱۱ شرح آغاز قومهای مختلف روی زمین است .

دوم . دومین بخش پیدایش شامل پیدایش ۱۱ : ۲۷ تا ۵۰ : ۲۶ است .

این بخش ، شرح منشاء یا آغاز قومی است که خدا انتخاب می کند تا برای آوردن نجات به این دنیا از آنها استفاده کند . به این سؤال پاسخ می دهد که ” خدا چگونه انسان سقوط کرده در گناه ، را نجات می دهد ” ؟ این دو بخش پیدایش را می توان به چند عنوان کوچکتر تقسیم نمود : تاریخچه ابراهیم و دو پسرش اسماعیل و اسحق . تاریخچه اسحق و دو پسرش عیسو و یعقوب . تاریخچه یعقوب و دوازده پسرش و بالاخره تاریخچه یکی از پسران یعقوب بنام یوسف .

نکته ۳ . محتویات اصلی پیدایش .

پیدایش شرح منشاء یا آغاز همه چیز است .

اول . پیدایش شرح آغاز جهان مادی است .

در دو آیه اول کتاب مقدس خدا آغاز خلقت را شرح می دهد . در آغاز خدا جهان را با ستارگان بی شمار آن آفرید . و خدا زمین را آفرید اما زمین بی شکل بود و هنوز صورت منظم فعلی را نداشت و زمین خالی بود و عاری از موجودات مختلف زنده ای که در حال حاضر زمین را پر کرده اند . و تاریکی سطح آب ها را فرو گرفت و نوری بر روی زمین نبود . زمین هنوز حالت جامد نداشت و خشکی قاره ها هنوز شکل نگرفته بود . این دو آیه فقط مقدمه ای است برای شش روز خلقت و این شش روز خلقت مراحل پیشرونده و منظمی را شرح می دهند که خدا از طریق آنها کار خلقت سیاره زمین را آنطور که ما امروز آن را می شناسیم به کمال می رساند .

دوم . پیدایش آغاز نژاد بشر را شرح می دهد .

در پیدایش ۱ : ۲۶ تا ۲ : ۲۵ خدا شرح می دهد که چطور نخستین زن و مرد را آفرید . انسان حاصل تکامل بعضی موجودات پست تر نیست بلکه به همین صورتی که امروزه دارد آفریده شده است . خدا به انسان مسئولیتهایی با ارزش و حساس محول کرد . انسان باید با رور و کثیر شود و زمین را پر سازد انسان باید زمین را تحت کنترل خود در آورد و با سایر مخلوقات زمین حکومت کند (۱ : ۲۸) . او باید از باغ عدن نگهداری و حفاظت کند (۲ : ۱۵) . وضعیت کامل انسان او را از مسئولیتهای و کارهایش مستثناء نمی کند .

سوم . پیدایش آغاز مکاشفه اراده خدا را شرح می دهد .

مدتها قبل از اینکه خدا در خروج ۲۰ شریعت را به موسی دهد . قوانین مسلم و مشخص را به انسان در کتاب پیدایش داده بود . در پیدایش ۲ : ۱ - ۳ خدا سبت را مقرر ساخت . او به انسان دستور داد تا يك روز هفته از کار روزمره استراحت کند . در پیدایش ۲ : ۱۸ - ۲۴ خدا ازدواج را تاسیس نمود . او گفت ، ” شایسته نیست آدم تنها بماند باید برای او یار مناسبی بوجود آوردم . ” به این سبب که مرد از پدر و مادر خود جدا می شود به همسر خود می پیوندد و از آن پس آن دو یکی می شوند . ازدواج تنها يك بنیاد اجتماعی انسانی نیست . ازدواج ایده خدا و او موسس آن است .

در پیدایش ۲ : ۱۶ ، ۱۷ خدا به انسان فرمانی داد تا به او تفاوت بین نیک و بد را تعلیم دهد . خدا گفت ، ” از همه میوه های درختان باغ بخور به جز میوه درخت شناخت نیک و بد زیرا اگر از میوه آن بخوری مطمئن باش خواهی مرد ” . با این فرمان خدا انسان را امتحان کرد انتخابی بین اطاعت و یا ناطاعتی از خدا . توانایی تشخیص بین نیک و بد با خوردن آن درخت حاصل نمی شود بلکه با نخوردن آن . خدا به انسان آشکار ساخت که نیک یعنی اطاعت کردن از خدا و بد یعنی ناطاعتی از خدا . اگر انسان از خدا اطاعت کند آگاهانه و خیلی واضح می تواند نیک و بد را تشخیص دهد .

در پیدایش ۲ : ۱۵ خدا به انسان فرمان داد که نه تنها در باغ کار کند بلکه از آن محافظت هم بکند . خدا بدون اینکه بگوید این شیطان است برانسان آشکار ساخت که قدرتی شریر وجود دارد . او به انسان فرمان داد که در مقابل نیروی شریر نگهبان او باشد و در برابر صدماتی که او به باغ وارد می کند از باغ محافظت کند .

چهارم . پیدایش شرح آغاز گناه بشر است .

در پیدایش ۳ : ۱ - ۱۳ خدا شرح می دهد که انسان چگونه با ناطاعتی از خدا در گناه افتاد . خدا خیلی واضح بر انسان آشکار می کند که او آزاد است چکارهایی را بکند و چه کارهایی برای او ممنوع است . خود خدا برای انسان آشکار ساخت که چه چیزی خوب و چه چیزی بد است . این خدا است که مرزهای اطراف انسان را تعیین می کند و محدودیتهایی را مقرر می کند که انسان باید در چارچوب آنها زندگی کند .

اما این قدرت شریر که شیطان نامیده شد ، آمد و انسان را وسوسه کرد . این شیطان کیست ؟ شیطان فرشته ای است که در فاصله زمانی بین پایان خلقت و سقوط انسان در گناه بر علیه خدا طغیان کرد . در پیدایش ۳ او به شکل مار ظاهر می شود و در دوم قرننیاں ۱۱ : ۱۴ خود را به شکل فرشته نور در می آورد . روش های شیطان برای وسوسه انسان همیشه تکراری است . او همیشه دروغ می گوید و عیبی او را دروغگو و پدر تمام دروغگویان مینماید (یوحنا ۸ : ۴۴) . هدف او این است که در ارتباط با صحت سخنان خدا و مفهوم دقیق فرامین او در دل انسان شك و بی اعتمادی ایجاد کند . او می خواهد در انسان این فکر را ایجاد کند که خدا غیر منطقی است . شیطان با متهم کردن خدا به دروغگو بودن ، آگاهانه زن یعنی حوا را فریب داد . او گفت که اگر او گناه کند خدا انسان را به مرگ مجازات نخواهد کرد .

گرچه شیطان انسان را وسوسه کرد اما انسان فرمان خدا را می دانست پس او خودش مسئول عمل خود است . حوا نگاه کرد ، میوه را گرفت و خورد . او به وسوسه شیطان مبنی بر خوردن میوه ممنوعه توجه کرد . او به وسوسه توجه کرد ، به آن متوسل شد و بالاخره تسلیم آن گردید . گناه چیست ؟ مفهوم واژه گناه در کتاب مقدس با مفهوم آن در این جهان تفاوت دارد . در این دنیا به معنی این است که شما شخصی بد یا مجرم باشید اما در کتاب مقدس به این معنی است که شما اهداف خدا را فراموش کرده و ارتباطتان با او قطع شده باشد . پس حتی افرادی که به اصطلاح از نظر این دنیا خوب هستند در چشم خدا گناهکارند .

پنجم . پیدایش آغاز رنج انسان را شرح می دهد .

رنج انسان با گناه او آغاز شد . وقتی مرد و زن از خدا ناطاعتی کردند ارتباطشان با خدا قطع شد . ” گناه ” یعنی قطع ارتباط با خدا . نخستین نتیجه گناه جدایی از خدا است و این موضوع را در این حقیقت می توان دید که آدم و حوا از حضور مقدس خدا ترسیدند و سعی کردند که از او پنهان شوند . این آغاز رنج انسان از نظر روحانی بود . دومین نتیجه گناه این است که ارتباط انسان با خودش تغییر کرد . او احساس می کرد که وضعیت کامل و سالم نخستین او نابود شده و دیگر آرامش درونی نداشت . او از برهنگی جسمانی خود بسیار احساس شرم می کرد . واقعا می دانست که دیگر آن شخصی نیست که خدا انتظارش را داشت . و این شروع رنج کشیدن او از نظر روانی بود . سومین نتیجه گناه این بود که ارتباط انسان با سایر مردم تغییر یافت . مرد زن را متهم کرد ، اولین فرزند آنها ، بچه دوشان را کشت و از آن به بعد روابط انسانی از هم گسیخته شد . این شروع رنج انسان از نظر اجتماعی آن بود . چهارمین نتیجه گناه این است که ارتباط انسان با زمین تغییر پیدا کرد . زمین تبدیل به زمینی ناهموار شد که بر روی آن خار و خاشاک روئیده و زندگی را برای انسان بسیار سخت ساخت . بعدها خدا برای مجازات گناه بلایایی را مانند طوفان بر روی زمین فرستاد و این شروع رنج از نظر جسمانی و مادی آن بود .

ششم . پیدایش شرح آغاز نقشه خدا است .

در پیدایش ۳ : ۱۵ دآوری خدا بر شیطان را می خوانیم ، ” بین تو و زن و نیز بین نسل تو و نسل زن خصومت می گذارم نسل زن سر تو را خواهید کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد . ” عیسی مسیح تعلیم می دهد که آن روح شریر که پشت مار پنهان شده بود شیطان است . خدا فقط با يك مار حرف نمی زد بلکه با يك شخصیت روحانی شریر . در پیدایش ۳ : ۱۵ خدا شیطان را دآوری می کند . دوستی انسان با شیطان منجر به لعنت انسان شد . اولین عمل مهربانانه خدا تبدیل این دوستی به دشمنی بود . این دشمنی برکتی بزرگ برای انسان به ارمغان می آورد . خدا گفت که در سرتاسر تاریخ بین نسل زن و نسل شیطان دشمنی خواهد بود . مفهوم آن روشن است . در سرتاسر تاریخ بین فرزندان خدا و فرزندان شرارت دشمنی وجود خواهد داشت . در سرتاسر تاریخ قوم خدا در گیر جنگی روحانی با روح ها و انسانهای شریری خواهد بود که به شیطان تعلق دارند . اما خداست که نتیجه نهایی جنگ را نیز تعیین می کند . در آینده شخصی از نسل زن بر خواهد خواست که سر شیطان را خواهد کوبید . او کاملا بر قدرت شیطان غلبه خواهد یافت و بالاخره تا به ابد او را هلاک خواهد ساخت . این اولین وعده کتاب مقدس در ارتباط با آمدن مسیح موعود یعنی نجات دهنده دنیا است . در این نبرد نجات دهنده عیسی مسیح آسیب خواهد دید . او بر روی صلیب خواهد مرد اما با همان صلیب او بر شیطان غلبه خواهد کرد .

هفتم . پیدایش شرح آغاز زندگی خانوادگی انسان است .

در پیدایش ۴ : ۱ تا ۱۵ در مورد ارتباط بین دو برادر یعنی قائن و هابیل می خوانیم . این اتفاق مربوط به بعد از سقوط انسان در گناه است . در این فصل می خوانیم که چطور گناه ارتباطات خانوادگی را نابود ساخت . ظاهرا هر دو برادر بهترین قسمت از دارایی خود را به عنوان قربانی به حضور خدا آوردند . اما خدا به درون قلب آنها نگاه کرد و چیز دیگری دید . بر طبق عبرانیان ۱۱ : ۴ و اول یوحنا ۳ : ۱۲ خدا قربانی قائن را نپذیرفت چون او قربانی خود را بدون ترک شرارت خود و در بی ایمانی به حضور خدا آورد . خدا تعلیم می دهد که او نه با پرستش مذهبی ظاهری بلکه با اطاعت درونی و قلبی خشنود می شود . مزمور ۵۱ : ۱۶ - ۱۷ می گوید ” تو از من قربانی حیوانی نخواستی قربانی من این قلب شکسته و این روح توبه کار من است ای خداوند می دانم که هدیه مرا خوار نخواهی شمرد . ” قائن حسود و عصبانی بود چون خدا قربانی او را نپذیرفت . خدا به قائن هشدار داد تا با وسوسه گناه مقاومت کند خداگفت ، ” اگر درست عمل می کردی آیا قبول نمی شدی ؟ اما چون چنین نکردی گناه در کمین توست و می خواهد بر تو مسلط شود ولی تو بر آن چیره شو . ” (۴ : ۷) . خدا به قائن هشدار می دهد که گناه مانند يك حیوان وحشی ، خطرناک است که منتظر است به او حمله کند و آرزو دارد او را نابود کند . بعد از سقوط انسان در گناه ، گناه تبدیل به واقعیتی خطرناک شد . گناه قدرتی مخرب است که تمام مردم باید آن را جدی تلقی کنند . علاوه بر این خدا میگوید ، ” که باید بر گناه مسلط شد . باید بر گناه تسلط یافته و بر آن غلبه یافت . خدا می گوید که با اعتماد و اطاعت از او تسلط بر گناه امکان پذیر است . در تاریخ زندگی قائن می بینیم که قائن نتوانست بر گناه غلبه یابد ، بلکه بجای آن گناه بر او سلطه یافت و او را نابود کرد .

هشتم . پیدایش شرح آغاز تمدن انسانی است .

در پیدایش ۴ : ۱۶ تا ۹ : ۲۹ می خوانیم که چطور نخستین تمدن انسانی بوجود آمد . می خوانیم که قائن اولین شخصی بود که يك شهر را ساخت . (۴ : ۱۷) یابال اولین کسی بود که خیمه نشینی و گله داری را رواج داد (۴ : ۱۹) . یوبال اولین نوازنده ابزار موسیقی چون چنگ و فلوت بود (۴ : ۲۱) توبل قائن اولین کسی بود که کار ساختن آلات آهنی و مسی را شروع کرد (۴ : ۲۲) . در پیدایش ۴ : ۲۶ می خوانیم که چطور در آن روزها ، ” مردم شروع به عبادت خداوند نمودند . ” و این نمی تواند اشاره به اولین باری باشد که مردم ،

خدا را عبادت کردند . کاملاً واضح است که حوا قبل از آن (۴ : ۱) و پسران قائن و هابیل هنگامی که قربانی ها را به حضور خدا آوردند ، خداوند را پرستش کردند . این قسمت بیشتر مربوط به اولین باری است که مردم علناً با هم ، خدا را پرستش نمودند . در همان حال نه تنها تمدن و فرهنگ انسانی بوجود آمد بلکه گناه و شرارت نیز افزایش یافت . در پیدایش ۶ : ۵ می خوانیم ، ” هنگامی که خداوند دید مردم غرق در گناهند و دایماً به سوی زشتی ها و پلیدی ها می روند از آفرینش انسان متأسف و محزون شد . ” در آیه ۱۱ ، ۱۲ می خوانیم ، ” در این زمان افزونی گناه و ظلم در نظر خدا به انتها درجه خود رسیده و دنیا به کلی فاسد شده بود . ” آدم و حوا تسلیم وسوسه درونی شدند اما حالا انسان تسلیم وسوسه ای می شود که از درون قلب او بیرون می آید . و به عنوان مجازات شرارت انسان خدا طوفان را فرستاد که بجز هشت نفر بقیه مردم را نابود ساخت که اجداد انسانهای زمان حاضر می باشند .

نهم . پیدایش شرح آغاز اقوام جهان است .

بعد از طوفان ، خدا باز هم به نوح و پسرانش دستور داد ، بارور و زیاد شوید و زمین را پر سازید . (۹ : ۱) اما به جای اینکه پراکنده شوند و آنطور که خدا خواسته بود زمین را از مردم پر سازند ، به منطقه ای کوچک چسبیدند . و در پیدایش فصل ۱۰ می خوانیم که آنها تصمیم گرفتند شهری با برج بلند بسازند تا برای آنها مرکزیت داشته باشد و آنها را از پراکندگی حفظ کند و شهرتی برای آنها به وجود آورد . آنها فکر می کردند می توانند برای خود امپراطوری جهانی برقرار کنند و مستقل از خدا باشند . این اولین تلاش برای اتحاد انسان به صورت مستقل از خدا است .

اما خدا آنها را داوری کرد . او زبان واحد کل جهان را تغییر داد تا آنها دیگر نتوانند همدیگر را درک کنند . پس مردم مجبور شدند که در سرتاسر جهان پراکنده شوند . و هر گروه از مردم دارای زبان خاص خود گردید . پیدایش ۱۰ : ۳۲ می گوید که از سه پسر نوح ، ملل گوناگونی بوجود آمد که بعد از طوفان در سرتاسر زمین پراکنده شدند .

تکلیف برای هفته آینده .

اول . در طی هفته آینده خروج فصلهای ۱ - ۲۰ را بخوانید . بعد از دو هفته ، کتاب خروج را معرفی خواهیم کرد .
دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید .
سوم . هر شنبه تا چهار شنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .